



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



صدف گوٹر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# صدف کوثر

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	صدق کوثر
۷	مشخصات کتاب
۷	طلیعه
۷	مقدمه
۷	نَسَبِ حضرت خدیجه علیها السلام
۸	کنیه و القاب
۹	سیمای خدیجه علیها السلام در آئینه وحی
۹	خدیجه کبری علیها السلام از دیدگاه رسول خدا صلی الله علیه وآله
۱۰	خدیجه مام فضیلتها
۱۱	ثروتمندترین بانوی دوران
۱۱	فرزانه قریش
۱۲	تحریف تاریخ
۱۲	دوشیزه حجاز
۱۴	خدیجه علیها السلام و چگونگی شناخت او از پیامبر صلی الله علیه وآله
۱۵	گامی استوار به سوی زندگی پایدار
۱۵	انگیزه ازدواج
۱۶	لحظه انتظار
۱۶	مهریه حضرت خدیجه علیها السلام
۱۷	سنّ حضرت خدیجه علیها السلام
۱۸	تاریخ ازدواج
۱۸	همسر و هم بستر
۱۸	سرچشمه کوثر

۱۹	دختران هاله
۲۰	اولیات حضرت خدیجه علیها السلام
۲۰	غروب غمبار
۲۰	تاریخ وفات
۲۱	سال غم و اندوه
۲۱	حق شناسی پیامبر صلی الله علیه وآله
۲۱	پاورقی ها
۲۵	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## صدف کوثر

### مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱  
 عنوان و نام پدیدآور: صدف کوثر / علی اکبر مهدی پور  
 مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۱.  
 مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه  
 موضوع: حضرت خدیجه (س) - زندگینامه

### طلیعه

چهار سال پیش جمعی از شیعیان شیفته و ارادتمندان پاکباخته خاندان عصمت و طهارت تلاش گسترده‌ای در راه رفع غربت از ما در گرانمایه « کوثر قرآن » برداشتند ، محافل و مجالس باشکوهی در استانهای مختلف کشور برپا نمودند ، مصاحبه‌های پرشور از رسانه‌ها پخش کردند ، کتاب ، پوستر ، جزوه ، پرچم و بروشور در تیراژ بسیار بالا چاپ و توزیع نمودند . (۱)  
 و اینک خوشوقتیم که این جزوه در همین راستا به پیشگاه حضرت زهرا علیها السلام تقدیم می‌گردد، به این امید که تبسم رضایتمندی بر لبهای نازکتر از گل یوسف زهرا نقش بندد .

دهم رمضان ۱۴۲۹ ق

حوزه علمیه قم

علی اکبر مهدی پور

### مقدمه

در میان میلیونها بانوی بافضیلت جهان ، تنها یک بانو این افتخار را پیدا کرد که دُرّ شاهوار جهان آفرینش و درُدانه بی‌همتای خداوند مَنان باشد و سرور بانوان عالم ، دخت گرانمایه پیامبر خاتم ، وجود اقدس فاطمه اطهر علیها السلام را در صدف خود پیروrand ، و او کسی جز حضرت خدیجه علیها السلام نیست .

دهم رمضان ، یادآور ارتحال این بانوی بزرگ ، روز یتیمی کوثر قرآن و روز غم و اندوه خاندان عصمت و طهارت است . این مصیبت بزرگ را به پیشگاه مقدّس حضرت بقیّة‌الله ( ارواحنا فداه ) تسلیت گفته ، به گوشه‌ای از زندگی پربار آن بانوی بافضیلت اشاره می‌کنیم :

### نَسَبِ حضرت خدیجه علیها السلام

او دخت گرامی « خُوَیَلِد » فرزند اَسَد ، فرزند عبدالعزّزی ، فرزند قُصَیِّی ، فرزند کِلَاب ، فرزند مُرّه ، فرزند کَعْب ، فرزند لُؤیّی ، فرزند غالب ، فرزند فِهر است . (۲) مادرش ، فاطمه ، دخت زانده ، پسر اَصَمّ ، پسر رَواحه ، پسر حَجْر ، پسر عبد ، پسر مَعِیص ، پسر عامر ، پسر لُؤیّی ، پسر غالب ، پسر فِهر است . (۳)

حضرت خدیجه از تیره قریش است که از سوی پدر در نیای سوّم ( قُصَیِّی ) و از سوی مادر در نیای هشتم ( لُؤیّی ) با نسب پیامبر ،

پیوند می خورد .

« خُوَیْلِد » ، قهرمان دلاوری بود که هنگام تهاجم « تُبَّع » ، پادشاه خودکامه « یمن » ، دست به شمشیر برد ، در برابرش مردانه شمشیر زد و او را با ذلت از حریم کعبه دور ساخت . (۴)

هنگام جلوس « سیف بن ذی یزن » بر تخت سلطنت ، او همراه عبدالمطلب از سوی قریش به « صینعا » رفت و در کاخ « غمدان » با وی دیدار کرد . (۵)

پدر خویلد ، « اسد » نیز در اجتماع « حلف الفضول » - که برای دفاع از مظلومان برگزار شد و به « پیمان جوانمردان » موسوم شد - شرکت فعال داشت . (۶)

## کنیه و القاب

برای آن خانم ، القاب و کنیه‌های فراوانی نقل کرده‌اند که برخی از آنها عبارت است از :

### ۱ . امّ المؤمنین

همسران پیامبر و در رأس آنها حضرت خدیجه به نصّ قرآن « امّ المؤمنین » لقب یافته‌اند (۷) و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را « برترین و بهترین امّهات مؤمنین » خوانده است . (۸)

### ۲ . بانوی بانوان

امیر مؤمنان علیه السلام در چکامه‌ای که در سوگ حضرت خدیجه سرود ، از آن حضرت به عنوان « سیده النسوان » تعبیر فرمود ، (۹) امام کاظم علیه السلام وی را « سیده قریش » تعبیر فرمود ، (۱۰) اسماء بنت عمیس ، آن خانم را « سیده نساء العالمین » می‌خواند (۱۱) و در عهد جاهلی او را « سیده نساء قریش » می‌خواندند . (۱۲)

### ۳ . صدیقه

گلاوژه صدیقه در قرآن، فقط یک‌بار درباره حضرت مریم به کار رفته (۱۳) و امام صادق علیه السلام آن را معصومه معنا کرده است . (۱۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در معرفی حضرت خدیجه خطاب به جبرئیل فرمود :

« هَذِهِ صِدِّيقَةُ أُمَّتِي ؛ (۱۵) این صدیقه امت من است . »

### ۴ . طاهره

مشهورترین لقب آن حضرت در عصر جاهلی « طاهره » بود . (۱۶) زیرا او پاک‌ترین و عقیف‌ترین بانوی آن دوران بود . (۱۷)

### ۵ . مبارکه

محدث قمی روایت کرده که : « خداوند به حضرت عیسی علیه السلام وحی فرمود که نسل پیامبر آخرالزمان از بانویی « مبارکه » است . » (۱۸) عبدالله بن سلیمان نیز این معنا را از انجیل نقل کرده است . (۱۹)



## ۶. دیگر القاب

در یکی از زیارتنامه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: سلام بر ... صدیقه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، خدیجه کبری ام المؤمنین». (۲۰)

## سیمای خدیجه علیها السلام در آئینه وحی

نخستین سیر شبانه خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله دو سال پس از بعثت در شب دوشنبه‌ای در ماه ربیع الاول انجام گرفت. (۲۱) و هنگامی که از معراج به سوی زمین بازمی‌گشت، از سوی پیک وحی، این گونه به او خطاب شد:

« حاجتی آن تَقْرَأَ عَلٰی خَدِیجَةَ مِنَ اللّٰهِ وَمِنِّی السَّلَامُ ؛

خواسته‌ام این است که از سوی خدا و از طرف من (جبرئیل) به خدیجه سلام برسانی. »

وقتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درود خداوند متعال و جبرئیل امین را به حضرت خدیجه ابلاغ فرمود، عرضه داشت: « خداوند خود سلام است، سلام از او و به سوی اوست و بر جبرئیل سلام باد. » (۲۲)

یک بار دیگر، پیک وحی بر حضرت پیامبر فرود آمد و گفت: « این خدیجه است که برای تو غذا و نوشیدنی آورده است؛ چون نزد تو آید از خدا و از من به او سلام برسان و او را به قصری از مروارید در بهشت بشارت بده که در آن، نه سر و صدایی است و نه غم و اندوهی. » (۲۳)

ذهبی گوید: « بر صحیح بودن این حدیث، اتفاق نظر هست. (۲۴) پس از ارتحال آن بانو، حضرت فاطمه علیها السلام در اطراف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌چرخید و می‌گفت: « مادرم کجاست؟ » پیک وحی فرود آمد و عرضه داشت: « پروردگارت امر می‌فرماید که به فاطمه سلام برسانی و بگویی که مادرت در قصری از مروارید است که سقفش از طلا و ستونهایش از یاقوت سرخ و در میان مریم و آسیه است. »

اینجا هم حضرت فاطمه - که در آن ایام ۵ ساله بود - عرض کرد: « خدائی، خود سلام است. سلام از او و به سوی او است. » (۲۵)

- خدیجه کبری از دیدگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله /

## خدیجه کبری علیها السلام از دیدگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله احادیث فراوانی در مناقب حضرت خدیجه علیها السلام رسیده است که فقط به شماری از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. خدیجه، صدیقه امت من است. (۲۶)

۲. هر روز چندین بار خداوند با خدیجه بر فرشتگان مباحثات می‌کند. (۲۷)

۳. خدیجه برترین امهات مؤمنین است. (۲۸)

۴. هرگز خدا همسری بهتر از او برای من جایگزین نکرده است. (۲۹)

۵. برترین بانوان بهشتی، خدیجه دخت خویلد و فاطمه دخت محمد است. (۳۰)

۶. خدیجه بر بانوان امت من برتری داده شده است. (۳۱)

۷. خداوند محبت خدیجه را بر من ارزانی داشت. (۳۲)

۸. خدیجه در ایمان به خدا و من، گوی سبقت را از همه بانوان عالم ربود. (۳۳)

۹. خداوند شکم مادرت را (خطاب به حضرت فاطمه علیها السلام) ظرف امامت قرار داد. (۳۴)

۱۰. مریم بهترین بانوان زمان خود و خدیجه بهترین بانوان زمان خویش است. (۳۵)

### خدیجه مام فضیلتها

ابن حجر عسقلانی گوید که حضرت خدیجه، سرچشمه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است، زیرا در تفسیر آیه شریفه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» ثابت شده است که ام سلمه گفت:

«چون این آیه نازل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را فراخواند و کسایی بر فراز آنها انداخت و فرمود: «بار خدایا! اینها اهل بیت من هستند». و همه اینها از خدیجه نشأت گرفته‌اند؛ زیرا حسن و حسین، فرزندان فاطمه و دختر خدیجه است و علی نیز در کودکی در خانه خدیجه تربیت شده و در بزرگی، داماد او شده است (۳۶).

ابن حجر گوید که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی با سند نیکو فرموده است:

«لَقَدْ فَضَّلْتُ خَدِيجَةَ عَلَى نِسَاءِ أُمَّتِي؛

خدیجه بر بانوان امت من برتری یافته است.»

با این حدیث، بر برتری خدیجه بر عایشه استدلال شده است. (۳۷)

سپس چنین می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی صحیح السند فرموده است:

«أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ وَفَاطِمَةُ وَمَرْيَمُ وَأَسِيَّةُ؛

برترین بانوان بهشت؛ خدیجه، فاطمه، مریم و آسیه‌اند.»

آنگاه می گوید: این حدیث، صریح است و قابل تأویل نیست. (۳۸)

ابن کثیر شماری از فضایل ویژه حضرت خدیجه را برشمرده، سپس می گوید: «برخی از اهل سنت، غلو می کنند و عایشه را بدین سبب که دختر ابوبکر است بر خدیجه تفضیل می دهند.» (۳۹)

ابن حجر در ادامه، نکته ظریفی را نقل می کند و آن این است: «قدر مشترک در میان مریم، آسیه و خدیجه، این است که هر یک از اینها، پیامبر مرسل را تحت کفالت خود گرفته است:

۱. آسیه، حضرت موسی علیه السلام را کفالت و تربیت کرد و چون مبعوث شد به او ایمان آورد.

۲. مریم، حضرت عیسی علیه السلام را کفالت نمود و بزرگش کرد و چون مبعوث شد به او گروید.

۳. خدیجه پیشنهاد ازدواج به پیامبر اسلام داد، همه اموالش را در راه او تقدیم کرد و چون وحی بر آن حضرت نازل شد به او ایمان آورد. (۴۰)

از اینجا رمز فضیلت حضرت فاطمه علیها السلام نیز روشن می‌شود که او همه دار و ندارش را برای حفظ حجت خدا تقدیم کرد، نه تنها محسن، بلکه نقد جاننش را در این راه تقدیم نمود و به مقام: «سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ» نایل آمد، که به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله هنگامی که در محراب عبادت خود می‌ایستاد، هفتاد هزار فرشته مقرب او را صدا می‌کنند و می‌گویند: ای فاطمه! «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»؛ هان ای فاطمه! خداوند تو را برگزید و پاکیزه ساخت و بر بانوان عالمیان تو را برتری داد. (۴۱)

همان جایگاه بلند و مقام رفیع خدیجه و فاطمه موجب شد که فاقدان فضایل بر آنها حسد بورزند و از این طریق موجبات آزار پیامبر را فراهم آورند.

بخاری با سند صحیح از برخی همسران پیامبر روایت می‌کند که می‌گفت: «من هرگز به هیچ زنی چون خدیجه حسد نوریتم». آن‌گاه عامل این حسد را دو چیز بیان می‌کند:

۱. پیامبر از او به کثرت یاد می‌کرد؛

۲. خداوند به پیامبر امر فرموده بود که خدیجه را بشارت دهد به خانه‌ای در بهشت از «قَصَب»، یعنی مروارید، که در آن «صَخَب» و «نَصَب»، یعنی سر و صدا و رنج و درد، وجود ندارد. (۴۲)

ابن حجر در شرح این حدیث از «سهیلی» نقل می‌کند که تعبیر «قَصَب» از این جهت است که آن بانوی بزرگوار، گوی سبقت را از همه بانوان جهان ربوده است و تعبیر «صَخَب» از این جهت است که حضرت خدیجه، هرگز با پیامبر درگیر نشد، صدایش را بلند نکرد، سر و صدا ایجاد نکرد و خانه را محیط امن و آرام قرار داد. تعبیر «نَصَب» هم از این جهت است که وی برخلاف برخی همسران پیامبر هرگز آن حضرت را نیاززد.

از این رهگذر، خداوند قصری در بهشت به آن حضرت عطا فرمود که محیط آرام، بی‌سر و صدا و بدون اذیت و آزار باشد. (۴۳)

### ثروتمندترین بانوی دوران

ذهبی از واقعی نقل کرده است که خویلد پدر خدیجه، پیش از جنگ فجار در گذشته بود... و این موضوع در میان اصحاب ما مورد اتفاق است. (۴۴)

حضرت خدیجه با عقل و درایت خود آنچه از پدر به ارث برده بود را در راه ایجاد اشتغال برای جوانان حجاز به کار گرفت و تجارت گسترده‌ای به راه انداخت. وی همه جوانان را تشویق می‌کرد که با ثروتش تجارت کنند؛ هم سود ببرند و هم به او سود رسانند.

شیوه تجارت آن بانوی بادرایت، مضاربه بود. ابن هشام در این باره می‌نویسد:

«خدیجه دخت خویلد بانویی تاجرپیشه بود و ثروت و شرافت داشت. او مردان را استخدام می‌کرد و با آنها قرارداد می‌بست و از طریق مضاربه با آنها رفتار می‌کرد». (۴۵)

آن بانو، با پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز همین گونه رفتار می‌کرد؛ جز اینکه برای آن حضرت، حق مضاربه بیش تری تعیین می‌کرد و غلام خود «میسره» را نیز در محضر آن حضرت می‌فرستاد و گرنه حضرت مصطفی صلی الله علیه وآله هرگز برای کسی اجیر نشده است. (۴۶)

### فرزانه قریش

آوازه دختر خویلد در سراسر حجاز پیچید. بازرگانانی که با ثروت او تجارت می‌کردند، آوازه او را از مرز حجاز گذراندند و

شهرتش را در بلاد اطراف، به ویژه در سرزمین یمن به گوش سلاطین رساندند.

دلاوریهای پدرش خویلد در برابر «تُبَّع» پادشاه خود کامه یمن (۴۷) از یک سو و دیدار تأثیرگذار وی در کاخ «عُمدان» با «سیف بن ذی یزن» در صنعا، (۴۸) از دیگر سو، باعث شد که همه اعیان و اشراف یمن، آرزوی همسری فرزانه قریش را در دل پیوراندند.

ولی حضرت خدیجه هشیارتر از آن بود که با آن ثروت و مکنت و جمال و کمال، در برابر پیشنهادهای آنان سر فرود آورد. او فقط دل در گرو جوان هاشمی داشت و منتظر روزی بود که در دل امین بنی هاشم راه یابد. مورخان، اتفاق نظر دارند که در میان اعیان و اشراف منطقه، صاحب ثروت و صاحب مکنتی نماند؛ جز اینکه از حضرت خدیجه خواستگاری کرد و او دست رد بر سینه همگان زد. (۴۹)

## تحریف تاریخ

در طول تاریخ، همواره قلم در دست چاپلوسان و در خدمت زورمداران بود، از این رهگذر بسیاری از حقایق مسلم تاریخ دستخوش تحریف شده و مطالب پوچ و واهی به دست چیره‌دستان تاریخ‌ساز رنگ واقعی به خود گرفته، راه تشخیص را به روی بسیاری از حقیقت‌جویان بسته است، فی‌المثل:

۱. مولای متقیان امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در داخل کعبه دیده به جهان گشود و هیچ فرد دیگری در این منقبت با او شریک نمی‌باشد. (۵۰)

حزب قریش به «حکیم بن حزام» نسبت داده‌اند که او نیز در داخل کعبه متولد شده، تا این فضیلت علی علیه السلام را کمرنگ نشان دهند و حاکم نیشابوری با قاطعیت آن را رد کرده است. (۵۱)

۲. بدون تردید اول کسی که رسالت پیامبر را پذیرفته، علی علیه السلام است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دهها حدیث به آن تصریح کرده، از جمله:

«أَوْلُكُمُ وَاوَدًا عَلِيُّ الْخَوْصَ، أَوْلُكُمُ إِسْلَامًا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ»؛

«نخستین کسی که از شما در کنار حوض کوثر بر من وارد می‌شود، نخستین اسلام آورنده شما علی بن ابی‌طالب است.» (۵۲)

برای کمرنگ نشان دادن این فضیلت بزرگ امیرمؤمنان گفته‌اند که ابوبکر نخستین اسلام آورنده بود و تعصب را به جایی رسانده‌اند که گفته‌اند: «پیش از آنکه علی علیه السلام متولد شود، ابوبکر ایمان آورده بود»!!! (۵۳)

۳. هیچ تردیدی نیست که امیرمؤمنان تنها داماد پیامبر بود، برای اینکه این افتخار را کمرنگ کنند، داماد دیگری برای پیامبر تراشیده‌اند که اولاً این فضیلت را از آن حضرت سلب کنند، ثانیاً رقیب سیاسی برای آن حضرت درست کنند!

۴. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تنها دختر پیامبر بود، برای سلب این افتخار دختران هاله را به عنوان دختران پیامبر رقم زده‌اند!

۵. حضرت خدیجه نخستین دوشیزه‌ای بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با او ازدواج کرد، برای اینکه این فضیلت را از آن عایشه معرفی کنند، دو شوهر برای او تراشیدند، تا او را بیوه‌زن چهل ساله معرفی کنند!!

## دوشیزه حجاز

(۱) حسین بن حمدان خصیبی، متوفای ۳۳۴ ق. با صراحت و قاطعیت می‌نویسد:

« به جز رسول خدا هرگز احدی افتخار همسری خدیجه را پیدا نکرد ، چنانکه تا خدیجه زنده بود پیامبر اکرم همسر دیگری برنگزید » (۵۴).

۲) ابوالقاسم علی بن احمد کوفی ، نوه موسی مبرقع ، نواده امام جواد علیه السلام ، و متوفای ۳۵۲ ق . در این رابطه می نویسد :

« بی گمان حضرت خدیجه به جز رسول خدا هرگز با احدی ازدواج نکرد » (۵۵).

۳) رشیدالدین محمد بن علی بن شهر آشوب ، متوفای ۵۸۸ ق . در کتاب گرانسنگ خود ، از چهار چهره برجسته جهان تشیع و تسنن :

۱ . احمد بلاذری ، متوفای ۲۷۹ ق . صاحب کتاب « أنساب الأشراف »

۲ . ابوالقاسم کوفی ، متوفای ۳۵۲ ق . صاحب کتاب « الاستغاثة »

۳ . سید مرتضی علم الهدی ، متوفای ۴۳۶ ق . صاحب کتاب « الشافی فی الامامة »

۴ . ابوجعفر شیخ طوسی ، متوفای ۴۶۰ ق . صاحب کتاب « تلخیص الشافی »

روایت کرده که فرموده‌اند :

« پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله هنگامی با خدیجه ازدواج کرد که وی دوشیزه بود » (۵۶).

آنگاه اضافه می کند :

« این مطلب را تأکید می کند آنچه در دو کتاب : « الأنوار » و « البدع » آمده که رقیه و زینب دختران هاله ، خواهر خدیجه بودند » (۵۷).

۴) علامه مجلسی نیز همین متن را از ابن شهر آشوب نقل کرده است . (۵۸)

۵) علامه مامقانی نیز آن را از طریق علامه مجلسی نقل کرده است . (۵۹)

۶) شیخ ذبیح الله محلاتی نیز آن را نقل کرده است . (۶۰)

۷) پژوهشگر معاصر دکتر نجاح طائی در رساله دکترای خود بر دوشیزه بودن حضرت خدیجه پای فشرده و دلایلی آورده که حضرت خدیجه جز پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله با احدی ازدواج نکرده است .

۸) محقق توانا سید جعفر مرتضی عاملی نیز دو کتاب مستقل در این رابطه به رشته تحریر در آورده : (۱) بنات النبی أم ربائیه ؛ (۲) القول الصائب فی اثبات الربائب ، و اخیراً در کتاب سیره‌اش به تفصیل در این رابطه سخن گفته است . (۶۱)

۹) ابوالقاسم کوفی در ادامه سخنانش می گوید :

خدیجه‌ای که به اتفاق مورخان و سیره‌نویسان دست ردّ به سینه همه اشراف و رجال برجسته زمان زده است ، چگونه صاحب درک و اندیشه‌ای احتمال دهد که به ازدواج شخص گمنامی از اعراب تیم رضایت دهد .

اهل خرد و اندیشه می‌دانند که چنین مطلبی از محالات است و یقین می‌کنند که حضرت خدیجه جز رسول خدا با احدی ازدواج

نکرده است. (۶۲)

۱۰) مرحوم آیت‌الله شیرازی رحمه الله نیز این نظر را پذیرفته و معتقد بوده است که حضرت خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دوشیزه بوده است. (۶۳)

### خدیجه علیها السلام و چگونگی شناخت او از پیامبر صلی الله علیه و آله

آن بانوی بزرگوار از حُنفاء بود؛ یعنی یکتاپرست و پیرو آیین حضرت ابراهیم علیه السلام بود. آخرین اوصیای حضرت ابراهیم، حضرت ابوطالب و حضرت عبدالمطلب بودند که وی آنها را درک کرده و نویدهای آنها را درباره جوان هاشمی شنیده بود. روز میلاد مسعود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت ابوطالب خطاب به همسرش فرمود: «سی سال صبر کن تا همانند او را - به جز نبوت - برای تو بیاورم». (۶۴)

در دوران کودکی وی بود که عبدالمطلب به فرزندانش سفارش می‌کرد که هر کدام بعثت آن حضرت را درک کند به او ایمان بیاورد. (۶۵)

محمد، جوانی ۲۰ ساله بود که ابوطالب گفت: «پدرم به من خبر داده است که او همان پیامبر موعود است». (۶۶) فرزانه قریش که این معلومات را در بایگانی حافظه گردآورده است، دل در گرو جوان هاشمی می‌سپارد و به همه خواستگاران از هر تیره و گروه، جواب منفی می‌دهد.

در سفر تاریخی خویلد (پدر خدیجه) با حضرت عبدالمطلب به یمن برای تبریک و تهنیت به «سیف بن ذی‌یزن» در ایام جلوس او بر تخت سلطنت، پادشاه به او خبر می‌دهد که این ایام باید پیامبر موعود متولد شده باشد، نامش «محمد» است، در میان شانه‌اش مُهر نبوت است، پدر و مادرش فوت می‌کند، عمو و پدر بزرگش کفالت او را برعهده می‌گیرند... (۶۷)

سیف بن ذی‌یزن، به صراحت می‌گوید: «سوگند به کعبه که تو پدر بزرگ آن پیامبر موعود هستی. پس حضرت عبدالمطلب به سجده می‌افتد و سجده شکر به جای می‌آورد». (۶۸)

خویلد برمی‌گردد و این سخنان را به عنوان سوغات سفر می‌آورد و در میان اهل و عیالش بازگو می‌کند و فرزانه قریش، آن را آویزه گوش خود می‌سازد.

روز عیدی بود در ماه رجب، زنها در کنار بتی گرد آمده بودند، شخصی از دور نمایان بود، چون نزدیک شد با صدای بلند فریاد برآورد:

«در شهر شما پیامبری به نام «احمد» از سوی خداوند به رسالت برانگیخته خواهد شد، هر کدام از شما بتواند به همسری او درآید حتماً انجام دهد.»

زنها به او دشنام دادند و به سویس سنگ انداختند، ولی خدیجه سخن او را در بایگانی حافظه‌اش جای داد. (۶۹)

حضرت ابوطالب با کاروان تجارتي به شام می‌رود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را که در سنین نوجوانی بود، همراه خود می‌برد. در بصری راهبی به نام «بُحیرا» برای اولین بار، کاروان را به ضیافت دعوت می‌کند و پس از گفتگوی فراوان، به ابوطالب می‌گوید: «او را زود برگردان که اگر یهود او را ببینند، شناسایی می‌کنند و به وی آزار می‌رسانند». (۷۰)

این خبر در مکه پخش می‌شود و فرزانه قریش نیز آن را به خاطر می‌سپارد.

اکنون جوان هاشمی به ۲۵ سالگی رسیده است و با پول خدیجه به صورت مضاربه عازم تجارت است. خدیجه، غلام مخصوص

خود « میسره » را با او می‌فرستد و به او توصیه می‌کند که از آن حضرت جدا نشود و هر چه می‌بیند به خاطر بسپارد . در این سفر ، راهبی به نام « نسطور » از میسره می‌پرسد : « این مرد که زیر این درخت نشسته کیست ؟ » می‌گوید : « او مردی از قریش از اهل حرم است . » نسطور با قاطعیت به او اعلام می‌کند که او پیامبر است .

میسره چون برمی‌گردد ، سخن راهب را برای بانویش باز گو می‌کند و در ضمن مشاهدات خود می‌گوید که چون هوا گرم می‌شد ، دو فرشته ، بالهای خود را بر سر او می‌افراشتند و بر او سایه می‌انداختند . (۷۱)

سالها پیش نیز یکی از احبار یهود ، جوان هاشمی را در منزل خدیجه دید و به او گفت : « او همان پیامبر موعود است که نشانه‌های او را در تورات خوانده‌ام . بانویی از قریش با او ازدواج می‌کند که سرور بانوان بهشت است ؛ مبادا تو از این شرف محروم شوی » (۷۲).

ورقه بن نوفل ، پسر عموی خدیجه نیز او را تشویق می‌کرد و می‌گفت : « پیامبری که برای این امت وعده داده شده است و ما در انتظار او هستیم ، وقت ظهورش فرارسیده است ؛ به راستی ، محمد ، همان پیامبر موعود این امت است . » (۷۳)

پدیدار شدن این بشارتها و نویدها ، پشت سر یکدیگر ، فرزانه قریش را در تصمیم خود محکم‌تر می‌ساخت و او را در موضع سرسختی که گرفته بود مصمم‌تر می‌ساخت . این نویدها بود که همه اشراف منطقه را در نظرش بی‌اهمیت می‌ساخت و تنها آن جوان هاشمی را شایسته همسری جلوه می‌داد .

### گامی استوار به سوی زندگی پایدار

حضرت خدیجه ، گذشته از جمال ، کمال ، مال و منال ، از دانش ، بینش ، اصالت اندیشه ، سلامت فکر ، صلابت رأی ، دقت نظر و قدرت تصمیم‌گیری به موقع برخوردار بود . از این رهگذر پس از دست ردّ زدن بر سینه سلاطین یمن ، اشراف طائف و بزرگان حجاز ، تصمیم گرفت که با عزم جزم ، سنت رایج را بشکند و در انتظار خواستگاری از سوی جوان هاشمی ننشیند ؛ بلکه با یک سنت شکنی ، او به سراغ شوهر ایده‌آل خود برود .

وی از بانوی فرزانه‌ای به نام « نفیسه » کمک گرفت و وعده دیدار با امین قریش طلب کرد . خدیجه در این دیدار با صراحت گفت : « ای امین قریش ! من دختر شایسته‌ای برای شما در نظر گرفته‌ام . »

امین قریش پرسید : « کیست ؟ » عرضه داشت : « هِيَ مَمْلُوكَتُكَ خَدِيجَةُ ؛ او کنیز شما خدیجه است . » (۷۴) جوان هاشمی فرمود : « تو صاحب مال و مکتب هستی و من چیزی از مال دنیا ندارم . من ، دنبال همسری چون خود هستم . »

حضرت خدیجه با بیانی شیرین و دلنواز ، عرضه داشت : « من خودم ، ثروتم ، کنیزانم و آنچه در تصرف من است ، از آن شماست و تابع فرمان شما . » (۷۵)

آن‌گاه خلعت گرانمایی به صفتیه ( عمّه پیامبر ) بخشید و گفت : « ای صفتیه ! تو را به خدا سوگند می‌دهم که مرا یاری کنی تا به وصال محمد برسم . » (۷۶)

وی خواهرش ، هاله را نیز نزد عمّار فرستاد تا موانع این پیوند مقدّس را برطرف کند . (۷۷)

\*

### انگیزه ازدواج

حضرت خدیجه علّت این همه پافشاری بر تحقق یافتن این پیوند مقدّس را به « صفتیه » چنین بیان کرد :

« اِنِّیْ قَدْ عَلِمْتُ اَنَّهُ مُؤَيَّدٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ ؛ من به طور حتم و یقین می‌دانم که او از سوی پروردگار عالمیان ، مورد تأیید است » (۷۸).

آن حضرت ، به شخص پیامبر عرضه داشت : « به خدا سوگند ! من با شما چنین رفتار نمی‌کنم ، جز برای اینکه امید دارم شما همان پیامبری باشید که برانگیخته خواهد شد » . (۷۹)

آن‌گاه دیگر ویژگیهای حضرت را چنین شماره کرد : « ای پسرعمو ، من به این دلایل ، دل در گرو تو دارم :

۱ . خویشاوند من هستی ؛

۲ . از شرافت والایی برخورداری ؛

۳ . در میان قوم خود به امانت شهرت داری ؛

۴ . فردی راست گفتاری ؛

۵ . اخلاقی نیکو داری » . (۸۰)

هر فرازی از سخنان خدیجه حکایت از نظر صائب ، اندیشه استوار ، دانش و بینش وافر ، دقت نظر و عمق درایت او می‌کند .

### لحظه انتظار

سرانجام ، لحظه انتظار فرارسید و رؤیاهای طلایی خدیجه تعبیر شد . حضرت ابوطالب ، حمزه و دیگر بزرگان خاندان رسالت به منزل خدیجه آمدند و سعادت دو جهان را برایش به ارمغان آوردند .

حضرت ابوطالب رشته سخن را به دست گرفت و فرمود : « سپاس و ستایش به پروردگار این بیت که ما را از نسل ابراهیم و از تبار اسماعیل قرار داد ، ما را در حرم امن خود جای داد و زمامدار مردم کرد و این شهر را برای ما مبارک ساخت .

این برادرزاده من هرگز با احدی از رجال قریش مقایسه نمی‌شود ؛ جز اینکه بر او برتری یابد و با احدی از مردمان مقایسه نمی‌شود ؛ جز اینکه بر او فزونی یابد و هرگز با احدی برابری نمی‌کند . او از نظر مال دنیا ثروت کم‌تری دارد ؛ ولی ثروت برای گذران زندگی است و سایه‌ای ناپایدار .

اکنون ما برای خواستگاری آمدم به رضایت و دلخواهش . و آنچه مهریه از نقد و نسیه بخواهید از مال من است . سوگند به پروردگار بیت که برای او جایگاهی رفیع ، دینی جهان شمول و درایتی کامل است » .

آن بانو شخصاً سخن گفت و رضایت خود را اعلام کرد .

حضرت ابوطالب ، شتری نحر کرد ، ولیمه عروسی بر گزار شد و زفاف انجام یافت . (۸۱)

### مهریه حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه ۴۰۰۰ دینار به عباس داد که آن را به خانواده خدیجه به عنوان مهریه پردازد ؛ (۸۲) ولی آنچه مسلم است ، این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او ۵۰۰ درهم به عنوان مهریه تقدیم کرد . (۸۳)

براساس نقل مورخان و سیره‌نویسان ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دوازده ونیم اوقیه ، یعنی ۵۰۰ درهم به حضرت خدیجه پرداخت . (۸۴) براساس روایات معصومان علیهم السلام مهریه همه همسران پیامبر ۵۰۰ درهم بود ؛ (۸۵) ولی درباره این بانوی بزرگوار ، حضرت ابوطالب علیه السلام ۲۰ شتر جوان از مال خودش افزود . (۸۶)

نکته مهم در مهریه ایشان ، این است که او ۴۰۰۰ دینار می‌فرستد ؛ ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تنها ۵۰۰ درهم ؛ یعنی یک



هشتادم آن را به عنوان مهریه می‌پردازد تا ائمت از آن حضرت پیروی کرده ، از مهریه‌های سنگین پرهیز کنند . در احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز به شدت بر مهر اندک ، تأکید شده است .

### سنّ حضرت خدیجه علیها السلام

وقایع نگاران اموی در مورد سنّ حضرت خدیجه علیها السلام با یکدیگر به رقابت پرداخته ، از ۴۰ تا ۴۶ نوشته‌اند ، تا رقیبی برای برخی از همسران پیدا نشود .

قول مقبول و معقول در سنّ حضرت خدیجه همان است که بسیاری از مورّخان آن را برگزیده‌اند و به ارسال مسلم گفته‌اند که حضرت خدیجه ۲۵ ساله بوده است .

حافظ عمادالدین یحیی بن ابی‌بکر بن محمد عامری ، متوفای ۸۹۳ ق . سنّ حضرت خدیجه را به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۲۵ دانسته و هیچ قول دیگری نقل نکرده است . (۸۷)

حافظ ابوبکر احمد بن حسین بیهقی ، متوفای ۴۵۸ ق ، صاحب سنن کبری ، فقط همین قول را صحیح دانسته می‌گوید :

« سنّ حضرت خدیجه به هنگام وفات ۶۵ و به قولی ۵۰ بوده و آن صحیح‌تر است . (۸۸)

بی‌گمان ازدواج حضرت خدیجه در سال ۲۵ عام الفیل انجام یافته ، که پیامبر اکرم در آن تاریخ ۲۵ ساله بوده ، و ارتحال ایشان ، سه سال پیش از هجرت ، به سال دهم بعثت رخ داده ، روی این بیان اگر حضرت خدیجه به هنگام ازدواج ۲۵ ساله باشد ، به هنگام ارتحال ۵۰ ساله خواهد بود و اگر چهل ساله باشد به هنگام ارتحال ۶۵ ساله خواهد بود ، که بیهقی ۵۰ ساله را صحیح دانسته است . همین متن را ابن کثیر نیز از بیهقی نقل کرده است . (۸۹)

سپس اضافه می‌کند : پیامبر اکرم به هنگام ازدواج با حضرت خدیجه ۲۵ ساله بود ، حضرت خدیجه نیز در آن هنگام ۳۵ و یا ۲۵ ساله بود ، بیهقی از حاکم اینگونه روایت کرده است . (۹۰)

قول دیگر این است که حضرت خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۲۸ ساله بوده است و این قول ابن عباس است .

ذهبی با سلسله اسنادش از ابن عباس روایت کرده که خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر ۲۸ ساله بوده است . (۹۱)

بلاذری در ضمن اقوال مختلف نقل کرده که گفته شده : پیامبر ۲۳ ساله و خدیجه ۲۸ ساله بوده است . (۹۲)

ابن عساکر با سلسله اسنادش از ابن عباس نقل کرده که حضرت خدیجه ۲۸ ساله بود ولی زیر بن بکار ۳۰ ساله دانسته است . (۹۳)

دیار بکری اقوال مختلفی نقل کرده ، می‌نویسد : گفته شده ۳۰ ساله و گفته شده ۲۸ ساله بوده است ، در سیره مغلطای اینگونه بوده است . (۹۴)

ابن العماد حنبلی می‌نویسد : بسیاری از سیره‌نویسان قول ۲۸ را ترجیح داده‌اند . (۹۵)

حاکم نیشابوری با سلسله اسنادش از محمد بن اسحاق - صاحب سیره - نقل کرده که خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر ۲۸ ساله بود . (۹۶)

آنچه در منابع مختلف نقل شده که حضرت خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر چهل ساله بوده ، شایعه‌ای بیش نیست ، بیهقی آن را رد کرده و ۲۵ ساله بودنش را صحیح دانسته است ، جالب توجه اینکه حاکم آن را قول شاذّ دانسته است . (۹۷)

پس قول مقبول و معقول آن است که حضرت خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۵ ساله و حداکثر ۲۸ ساله بوده است و ۴۰ قول شاذّ می‌باشد .

و براساس تحقیقات انجام شده و تصریح بزرگان از اهل تحقیق دوشیزه بوده و با احدی به جز پیامبر اکرم ازدواج نکرده است .

## تاریخ ازدواج

بی گمان ، سال ازدواج فرستاده خدا صلی الله علیه و آله با این بانوی باکرامت ، سال ۲۵ عام الفیل ، ۱۵ سال پیش از بعثت و ۲۸ سال پیش از هجرت بوده است . این رویداد مبارک در ماه ربیع الاول بوده و اختلافی در آن نقل نشده است . (۹۸)

روز ازدواج نیز بنا بر مشهور ، دهم ماه مذکور است ؛ چنان که سید بن طاووس با سلسله اسنادش از شیخ مفید چنین نقل می کند و روزه آن را برای شکرانه این پیوند مقدّس ، مستحب می داند . (۹۹)

شیخ مفید نیز همان تاریخ را ثبت کرده است . (۱۰۰)

علامه مجلسی نیز آن را طبق نقل سید بن طاووس از شیخ مفید روایت کرده است . (۱۰۱)

مرحوم کاشف الغطاء هنگام بحث از روز نهم ربیع الاول می افزاید :

« یکی دیگر از علل شادی و سرور حضرت زهرا این است که روز نهم و دهم ، ایام پیوند مقدّس سید کائنات با بانوی پاک و پاک سرشت ، حضرت خدیجه است که بی گمان ، حضرت زهرا ، همه ساله در چنین روزی شاد و مسرور است و به آن مباحث می کند . این شادی و سرور در این ایام به شیعیان و ارادتمندانش به ارث رسیده است . (۱۰۲)

## همسر و هم سِرّ

کفایت و درایت حضرت خدیجه علیها السلام در سطحی بود که عظمت بیکران رسول اکرم صلی الله علیه و آله را درک می کرد . وی در مشکلات ، یار و یاور آن حضرت بود . پیامبر نیز در امور زیادی با وی مشورت می کرد . (۱۰۳)

این نکته ، بسیار حائز اهمیت است که دوران تجرّد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۲۵ سال و دوران پس از ازدواج آن حضرت ۳۸ سال است . آن جناب ، ۲۵ سال آن را با حضرت خدیجه سپری کرد و ۱۳ سال دیگر را با ۱۳ زن دیگر .

یعنی رسول اعظم صلی الله علیه و آله دقیقاً دو سوّم دوران پس از ازدواج خود را با یک همسر به سر برده و هرگز نیاز به همسر دیگری احساس نکرد . او ، همسر و هم سِرّ پیامبر بود و با وجود چنین همسری ، هیچ کمبودی در زندگی خویش احساس نمی کرد .

در مقابل حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دوران ۱۳ سال پس از آن ، با وجود ۱۳ همسر - که برخی از آنها همسران شایسته‌ای بودند - همواره جای خدیجه را خالی می دید و احساس خلأ می کرد و به قدری از او یاد می کرد که باعث رنجش و حسد برخی همسران می شد . (۱۰۴)

## سرچشمه کوثر

در میان صدها بانوی بافضیلت جهان ، تنها یک بانو این افتخار را پیدا کرد که در شاهوار جهان آفرینش ، دُرّدانه‌ای خداوند مَنّان ، نور چشم خاتم پیامبران ، همسر شایسته مولای متّقیان ، سرور بانوان جهان ، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در صدف خود پیروانند ، و او کسی جز خدیجه کبری نبود .

حضرت خدیجه برای پیامبر دو پسر و یک دختر آورد ، هر دو پسر در دوران کودکی درگذشتند ، ولی دخترش کوثر همیشه جاری جهان خلقت ، مادر یازده امام نور ، حضرت فاطمه علیها السلام می باشد .

همه سیره‌نویسان اتفاق نظر دارند که به جز ابراهیم دیگر فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خدیجه کبری بود :

۱. قاسم بزرگترین فرزند پیامبر، که پیش از بعثت متولد شد.

۲. عبدالله که بعد از بعثت متولد شد، و لذا به طیب و طاهر ملقب گردید. (۱۰۵)

قاسم در سن چهار سالگی درگذشت، عبدالله نیز یکماه بعد در حالی که هنوز شیرخواره بود، دیده از جهان فروبست. (۱۰۶)  
چون دو فرزند پیامبر در فاصله اندکی درگذشتند، عاص بن وائل آن حضرت را «أبتر» خواند.

بیک وحی بر پیامبر رحمت فرود آمد و سوره مبارکه «کوثر» را بر قلب شریف آن حضرت فرود آورد، که خداوند به تو کوثر جاری خلقت را عطا فرموده و بدین سان نسل طیب و طاهر پیامبر از او در بستر تاریخ ساری و جاری گردید. (۱۰۷)

## دختران هاله

حضرت خدیجه خواهری داشت به نام «هاله» که با مردی از مخزوم به نام ابوهاله ازدواج کرد و دختری به نام هاله از وی متولد شد.

سپس با مردی از تمیم به نام ابوهند ازدواج کرد و از او پسری به نام هند متولد گردید.

ابوهند دو دختر دیگر به نام «زینب» و «رقیه» از همسر قبلی اش داشت.

ابوهند فوت کرد، پسرش هند به خانواده پدری اش پیوست، زینب و رقیه تحت کفالت هاله ماندند.

حضرت خدیجه که امّ الأراامل و الأیتام بود، خواهرش هاله را با دو دختر ابوهند، زینب و رقیه تحت کفالت خود آورد.

پس از ازدواج خدیجه هاله نیز درگذشت، زینب و رقیه در خانه‌ی خدیجه پرورش یافتند.

در میان عرب رسم بود هر کس یتیمی را تربیت می‌کرد، به عنوان فرزند او شناخته می‌شد، از این رهگذر این دو دختر نیز به پیامبر و خدیجه نسبت یافتند. (۱۰۸)

روی این بیان زینب و رقیه نه فقط دختران پیامبر و خدیجه نبودند، حتی دختران هاله نیز نبودند، بلکه ریبه‌های هاله، یعنی دختران ابوهند از همسر قبلی اش بودند، که به جهت بزرگ شدن در خانه خدیجه به آن حضرت منسوب بودند.

انتساب رقیه و زینب به پیامبر از روی تسامح و به قصد تبرک انجام شده، پس از آنکه به همسری عثمان درآمدند، وسیله‌ای برای تبلیغ اموی‌ها شد، تا او را رقیب سیاسی مولی الموالی قرار دهند.

پیامبر گرامی اسلام خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

يَا عَلِيُّ! أَوْتَيْتَ ثَلَاثًا لَمْ يُؤْتِهِنَّ أَحَدٌ وَلَا أَنَا؛ أَوْتَيْتَ صِهْرًا مِثْلِي وَلَمْ أُوتَ أَنَا مِثْلِي ...؛

ای علی، خداوند به تو سه امتیاز داده که به احدی نداده، حتی به من نیز نداده: ۱) خداوند به تو پدر زنی چون من داده که به من پدر زنی در حدّ خودم داده نشده... (۱۰۹)

روی این بیان افتخار دامادی پیامبر منحصرأ از آن حضرت علی علیه السلام است و اگر فرد دیگری در این افتخار شرکت داشت کلام رسول خدا نقض می‌شد.

در مورد ازدواج رقیه با عثمان، خصیبه داستان جالبی نقل کرده می‌گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده بود: هر کس سپاه اسلام را تجهیز کند و هزینه‌اش را بپردازد و چاه رومه را بکند و هزینه‌اش را از مال خودش بدهد، من برای او خانه‌ای را در بهشت تضمین می‌کنم.

عثمان این کار را انجام داد و مشمول این ضمانت پیامبر شد.

هنگامی که از رقیه خواستگاری کرد ، پیامبر اکرم فرمود :

« رقیه می گوید : من با تو ازدواج نمی کنم مگر به این شرط که آن خانه‌ای را که در بهشت برای تو تضمین شده به عنوان مهریه به من بدهی . »

عثمان پذیرفت ، پیامبر ضمانش را برداشت ، آنگاه عثمان با وی ازدواج کرد . (۱۱۰)

رقیه یکی از بانوان مظلوم تاریخ است و سرنوشت اندوهباری دارد که به جهت محدودیت صفحات کتاب به فرصتی دیگر موکول می کنیم .

- اوّلیات حضرت خدیجه علیها السلام /

### اوّلیات حضرت خدیجه علیها السلام

۱ . حضرت خدیجه ، نخستین بانویی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با او ازدواج کرد . (۱۱۱)

۲ . وی نخستین بانویی است که به رسالت پیامبر ایمان آورد و نام خود را با خطوطی زرّین بر تارک صفحات تاریخ ثبت کرد . (۱۱۲)

۳ . وی نخستین بانوی نمازگزار است که مدّتها تنها وی و حضرت علی علیه السلام در کنار کعبه با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نماز برپا می داشتند تا بعدها جعفر طیار نیز به آنها پیوست . (۱۱۳)

۴ . وی نخستین بانوی معتقد به ولایت امیر مؤمنان بود که پیامبر در شب ارتحالش فرمود : « باید به ولایت علی بن ابی طالب شهادت دهی . » خدیجه گفت : « به ولایت او ایمان آوردم و بیعت کردم » . (۱۱۴)

۵ . او نخستین بانویی بود که از دست مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از انگور بهشتی تناول فرمود . (۱۱۵)

/ -

### غروب غمبار

۲۵ سال تمام پیامبر رحمت با وی انس داشت و او تنها ستاره فروزان خانه پیامبر بود و نگاههای جاذب و غمزدایش تنها مایه تسلی رسول خدا صلی الله علیه و آله در محیط خانه بود ؛ از اینرو غم ارتحالش به همین مقدار بر فرستاده خدا صلی الله علیه و آله که دریای عواطف بود ، سخت و جانگداز بود . نوشته‌اند که آن جناب ، در غم ارتحال همسرش به قدری اندوهگین شد که بر سلامتی‌اش نگران شدند . (۱۱۶)

به محضر پیامبر گفته شد : « پس از ارتحال خدیجه خیلی افسرده شده‌اید » . فرمود : « او مادر فرزندان و کدبانوی خانه‌ام بود » و می فرمود : « خداوند ، محبت او را در دلم قرار داده بود » . (۱۱۷)

### تاریخ وفات

اختلافی نیست که وفات ایشان ، در ماه رمضان رخ داد . طبری، تاریخ آن را دهم رمضان در سال دهم بعثت ثبت کرده است . (۱۱۸) غالب سیره‌نویسان متفق القول هستند که وفات آن خانم ، در دهم رمضان سال دهم بعثت ، سه سال پیش از هجرت در مکه واقع شد . وی در حجون به خاک سپرده شد . شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد قبر شد و همسر گرامی‌اش را در قبر گذاشت

(۱۱۹).

## سال غم و اندوه

آنچه مسلم است این است که ارتحال حضرت خدیجه با فاصله اندکی از رحلت جانگداز بزرگ حامی پیامبر، حضرت ابوطالب علیه السلام اتفاق افتاد؛ از اینرو، پیامبر اکرم به شدت اندوهگین شد و آن سال را «عام الحزن»، یعنی سال غم و اندوه نام نهاد و همواره می‌فرمود: «تا ابوطالب و خدیجه زنده بودند، غم و اندوه بر من مستولی نشد». (۱۲۰)

امیر بیان در سوگ حضرت خدیجه، چکامه‌ای سرود و از او به عنوان «بانوی بانوان» یاد کرد. (۱۲۱)

در بسیاری از کتب سیره و تراجم وفات ایشان سه روز پس از وفات حضرت ابوطالب ثبت شده است. (۱۲۲)

طبق این بیان باید وفات حضرت ابوطالب در هفتم رمضان باشد، در حالی که شیخ طوسی آن را در ۲۶ رجب ثبت کرده است. (۱۲۳)

## حق شناسی پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، کانون عواطف بود. آن جناب، لحظه‌ای خدمات، ایثارها، فداکاریها، شایستگیها، محبتها و دیگر فضایل خدیجه را فراموش نکرد.

هنگامی که پیامبر با ۱۰/۰۰۰ سرباز جنگی وارد مکه معظمه شد و کعبه را از لوث بتها پاک کرد، اشراف مکه با اصرار و الحاح از او خواستند که به خانه آنها قدم بگذارد؛ ولی او به رسم وفا به کنار قبر خدیجه آمد، آنجا خیمه زد و ایام اقامتش در مکه را در کنار قبر همسرش سپری کرد. (۱۲۴)

این عمل پیامبر، گذشته از درس حق شناسی به امت، پیام دلنشین و دلنوازی به حضرت خدیجه داشت:

«هان، ای سنگ صبور من! ای همسر باوفای من! اگر در همه روزهای سخت زندگی، در دوران محاصره اقتصادی، در آن روزگار خفقان و اختناق جانکاه قریش در کنار من بودی و آن همه رنج و مشقت را به جان خریدی، اکنون، من پس از فتح قلعه‌های شرک و نفاق به کنار تربت پاک تو آمده‌ام تا شادی‌ام را با تو تقسیم کنم.»

\*

## پاورقی‌ها

- (۱) جزوه‌های منتشر شده در سالهای قبل عبارت بودند از: (۱) سرچشمه کوثر، (۲) شمع محافل طه، (۳) یادواره بزرگداشت خدیجه کبری.
- (۲) السیره النبویه، ابن هشام، تحقیق طه عبدالرؤف سعد، بیروت، دارالجمیل، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۸.
- (۳) همان.
- (۴) الانوار الساطعه، سیلاوی، ص ۹.
- (۵) تاریخ مکه، ازرقی، تحقیق رشدی صالح ملحسن، مکه المکرمة، دار الثقافة، چ سوم، ۱۳۹۸ ق، ج ۱، ص ۱۴۹.
- (۶) همان، ص ۲۶۶.
- (۷) احزاب: ۶.
- (۸) الانوار الساطعه، سیلاوی، ص ۲۲۶.

- (۹) بحار الانوار، علامه مجلسی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ق، ج ۳۵، ص ۱۴۳.
- (۱۰) قرب الإسناد، حمیری، قم، مؤسسه فرهنگی کوشانپور، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۵۲، ح ۱۲۳۲.
- (۱۱) فاطمة الزهراء، قزوینی، قم، بصیرتی، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۱۰.
- (۱۲) شرح المواهب اللدنیة، زرقانی، ج ۱، ص ۱۹۹.
- (۱۳) مائده: ۷۵.
- (۱۴) اصول کافی، کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۴۵۹.
- (۱۵) البداية والنهاية، ابن کثیر، بیروت، مکتبه المعارف، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۶۲.
- (۱۶) الاصابة، ابن حجر، بیروت، دارالکتب العلمیه، افست، چاپ کلکته هند، ۱۸۳۵، م. ج ۸، ص ۶۰.
- (۱۷) شرح المواهب اللدنیة، زرقانی، ج ۱، ص ۱۹۹.
- (۱۸) کحل البصر فی سیره سید البشر، محدث قمی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق، ص ۷۰.
- (۱۹) بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲.
- (۲۰) همان، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹.
- (۲۱) مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، بیروت، دارالاضواء، چ دوم، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۲۲۸.
- (۲۲) التفسیر، عیاشی، قم، مؤسسه البعثه، ۱۴۲۱ ق، ج ۳، ص ۳۵.
- (۲۳) الصحیح، بخاری، بیروت، دار الجیل، افست چاپ سلطانی، بولاق، ۱۳۱۳ ق، ج ۵، ص ۴۸.
- (۲۴) سیر اعلام النبلاء، ذهبی، بیروت، مؤسسه الرساله، چ نهم، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۱۱۳.
- (۲۵) الامالی، شیخ طوسی، قم، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۷۵، ح ۲۹۴.
- (۲۶) البداية والنهاية، ابن کثیر، ج ۲، ص ۶۲.
- (۲۷) بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۷۸.
- (۲۸) الانوار الساطعة، سیلاوی، ص ۷.
- (۲۹) فتح الباری، ابن حجر، بیروت، دار المعرفه، ج ۷، ص ۱۴۰.
- (۳۰) همان، ص ۱۳۹.
- (۳۱) تاریخ دمشق، ابن عساکر، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق، ج ۷۴، ص ۸۴.
- (۳۲) کفایة الطالب، گنجی شافعی، تهران، دار احیاء التراث اهل البيت، چ سوم، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۵۹.
- (۳۳) المستدرک علی الصحیحین، حاکم، بیروت، دار الفکر، ۱۳۹۸ ق، ج ۳، ص ۱۸۴.
- (۳۴) مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۸۳.
- (۳۵) الصّحیح، بخاری، ج ۵، ص ۴۷.
- (۳۶) فتح الباری، ابن حجر، بیروت، دار المعرفه، بی تا، ج ۷، ص ۱۳۸.
- (۳۷) همان، ص ۱۳۵.
- (۳۸) همان.
- (۳۹) البداية والنهاية، ابن کثیر، ج ۳، ص ۱۲۹.
- (۴۰) همان.
- (۴۱) بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۴۳، ص ۲۴.

- (۴۲) الصحيح ، بخاری ، ج ۵ ، ص ۴۸ .
- (۴۳) فتح الباری ، ابن حجر ، ج ۷ ، ص ۱۳۸ .
- (۴۴) سیر اعلام النبلاء ، ذهبی ، ج ۲ ، ص ۱۱۱ .
- (۴۵) السیره النبویة ، ابن هشام ، ج ۲ ، ص ۵ .
- (۴۶) التاريخ ، یعقوبی ، نجف ، المكتبة الحیدریة ، ۱۳۸۴ ق ، ج ۲ ، ص ۱۶ .
- (۴۷) الانوار الساطعة ، سیلاوی ، ص ۹ .
- (۴۸) تاریخ مکه ، ازرقی ، ج ۱ ، ص ۱۴۹ .
- (۴۹) الاستغاثه ، ابوالقاسم کوفی ، نجف ، بی‌نا ، بی‌تا ، ج ۱ ، ص ۷۰ .
- (۵۰) این حقیقت از مسلمات تاریخ است و علامه اردوبادی با صدها دلایل متقن آن را به اثبات رسانده است . ر . ک : مولود کعبه ، اردوبادی ، قم ، نشر رسالت ، ۱۴۲۰ ق .
- (۵۱) المستدرک علی الصحیحین ، حاکم ، ج ۳ ، ص ۴۸۳ .
- (۵۲) همان ، ص ۱۳۴ و ۴۶۵ و بیش از ۸۰ منبع دیگر از منابع اهل سنت .
- (۵۳) الزیاض النضره ، طبری ، بیروت ، دار الغرب الاسلامی ، ۱۹۹۶ م ، ج ۱ ، ص ۴۱۸ ، ح ۳۳۹ .
- (۵۴) الهدایة الکبری ، خصیبی ، بیروت ، مؤسسه البلاغ ، ۱۴۲۶ ق ، ص ۴۰ .
- (۵۵) الاستغاثه ، علی بن احمد کوفی ، ج ۱ ، ص ۷۰ .
- (۵۶) مناقب آل ابی طالب ، ابن شهر آشوب ، ج ۱ ، ص ۲۰۶ .
- (۵۷) همان .
- (۵۸) بحار الانوار ، علامه مجلسی ، ج ۲۲ ، ص ۱۹۱ .
- (۵۹) تنقیح المقال ، علامه مامقانی ، چاپ سنگی ، نجف ، بی‌نا ، ۱۳۵۲ ق ، ج ۳ ، بخش بانوان ، ص ۷۷ .
- (۶۰) ریاحین الشریعة ، محلّاتی ، تهران ، ج ۲ ، ص ۲۶۸ .
- (۶۱) الصحيح من سیره النبی الأعظم ، عاملی ، قم ، دار الحدیث ، ۱۴۲۶ ق ، ج ۲ ، ص ۱۸۷ - ۲۲۱ .
- (۶۲) الاستغاثه ، کوفی ، ج ۱ ، ص ۷۰ .
- (۶۳) امّهات المعصومین ، آیت‌الله شیرازی ، بیروت ، دارالعلوم ، ۱۴۲۴ ق ، ص ۹۰ .
- (۶۴) همان .
- (۶۵) اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۴۵۲ .
- (۶۶) بغیة الطالب ، عاملی ، قم ، المكتبة الحیدریة ، ۱۴۲۸ ق ، ص ۹۰ .
- (۶۷) التاريخ ، یعقوبی ، ج ۲ ، ص ۱۱ .
- (۶۸) دلائل النبوة ، ابو نعیم ، بیروت ، دار التّفائس ، ۱۴۱۹ ق ، ج ۱ ، ص ۹۷ .
- (۶۹) الخصائص الکبری ، سیوطی ، بیروت ، دارالکتب العلمیه ، ۱۴۲۴ ق ، ج ۱ ، ص ۱۵۵ .
- (۷۰) همان .
- (۷۱) السیره النبویة ، ابن هشام ، ج ۱ ، ص ۳۲۲ .
- (۷۲) همان ، ج ۲ ، ص ۶ .
- (۷۳) بحار الانوار ، ج ۱۶ ، ص ۵۵ .

- (۷۴) السیره النبویة، ابن هشام، ج ۲، ص ۱۰.
- (۷۵) التاريخ، یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶.
- (۷۶) بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۵۵.
- (۷۷) همان، ص ۵۸.
- (۷۸) التاريخ، یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶.
- (۷۹) بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۵۷.
- (۸۰) فتح الباری، ابن حجر، ج ۷، ص ۱۳۴.
- (۸۱) دلائل الامامة، طبری، ص ۷۷.
- (۸۲) الکافی، ج ۵، ص ۳۷۴.
- (۸۳) بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۷۰.
- (۸۴) بر اساس محاسبه‌ای که اهل فن انجام داده‌اند، ۵۰۰ درهم برابر ۱۶۲۱۲ مثقال نقره خالص و در زمان ما در حدود ۱۶۵۰۰۰ تومان است.
- (۸۵) السیره الحلبیة، حلبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۱۳۹.
- (۸۶) الکافی، ج ۵، ص ۳۷۵.
- (۸۷) بهجة المحافل، عامری، مدینه منوره، المكتبة العلمیة، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸.
- (۸۸) دلائل النبوة، بیهقی، بیروت، دار الکتب العلمیة، بی‌تا، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۷۱.
- (۸۹) البداية والنهاية، ابن کثیر، ج ۲، ص ۲۹۴.
- (۹۰) همان، ص ۲۹۵.
- (۹۱) سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج ۲، ص ۱۱۱.
- (۹۲) أنساب الأشراف، بلاذری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ ق، ج ۱، ص ۱۰۸.
- (۹۳) تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج ۳، ص ۱۰۵-۱۰۶.
- (۹۴) تاریخ الخمیس، دیار بکری، ج ۱، ص ۲۶۴.
- (۹۵) شذرات الذهب، ابن عماد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴.
- (۹۶) المستدرک علی الصحیحین، حاکم، ج ۳، ص ۱۸۲.
- (۹۷) همان.
- (۹۸) المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۲.
- (۹۹) الاقبال، سید بن طاووس، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۷۷ ش، ج ۲، ص ۱۱۵.
- (۱۰۰) مسارّ الشیعة، شیخ مفید، قم، بصیرتی، ۱۳۹۶ ق، ص ۲۹. به پیوست تاریخ الائمه، در ضمن «مجموعه نفسیه».
- (۱۰۱) بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۵۷.
- (۱۰۲) جنّة المأوی، کاشف الغطاء، تبریز، ۱۳۹۷ ق، ص ۹۴.
- (۱۰۳) تذکرة الخواص، ابن جوزی، قم، مجمع جهانی اهل بیت، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۳۰۶.
- (۱۰۴) فتح الباری، ابن حجر، ج ۷، ص ۱۳۶.
- (۱۰۵) جمهرة النسب، ابن کلبی، ص ۳۰.



- (۱۰۶) التاريخ، يعقوبی، ج ۲، ص ۲۶.
- (۱۰۷) السیر والمغازی، ابن اسحاق، بیروت، دار الفکر، ۱۳۹۸ ق، ص ۲۴۵.
- (۱۰۸) الاستغاثه، کوفی، ج ۱، ص ۶۸ - ۶۹.
- (۱۰۹) احقاق الحق، قاضی نورالله شوشتری، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۵، ص ۷۴.
- (۱۱۰) الهدایة الکبری، خصیبی، ص ۳۹.
- (۱۱۱) فتح الباری، ابن حجر، ج ۷، ص ۱۳۴.
- (۱۱۲) الامالی، شیخ طوسی، ص ۲۵۹، مجلس ۱۰، ح ۴۶۷.
- (۱۱۳) بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۳۵، ص ۸۰.
- (۱۱۴) بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۳۳.
- (۱۱۵) مجمع الزوائد، هیشمی، ج ۹، ص ۲۲۵.
- (۱۱۶) سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج ۲، ص ۱۱۶.
- (۱۱۷) کفایة الطالب، گنجی شافعی، تهران، دار احیاء التراث اهل البيت، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۵۹؛ تاریخ الاسلام، ذهبی، ج ۱، ص ۲۳۷.
- (۱۱۸) دلائل الامامة، طبری، ص ۸.
- (۱۱۹) تذکره الخواص، ابن جوزی، ج ۲، ص ۳۱۱؛ الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ۸، ص ۱۸؛ الاصابة، ابن حجر، ج ۸، ص ۶۲؛ الاتحاف بحب الاشراف، الشبراوی، منشورات رضی، قم، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۲۸.
- (۱۲۰) کشف الغمّه، اربلی، بیروت، دار الكتاب الاسلامی، ۱۴۰۱ ق، ج ۱، ص ۱۶.
- (۱۲۱) بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۴۳.
- (۱۲۲) سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج ۲، ص ۱۱۲؛ اسد الغابه، ابن اثیر، ج ۵، ص ۴۳۹؛ الاتحاف بحب الاشراف، ص ۱۲۸؛ اعلام الوری، طبرسی، ج ۱، ص ۱۳۲.
- (۱۲۳) مصباح المتهجد، شیخ طوسی، فقه الشیعه، بیروت، ۱۴۱۱ ق، ص ۸۱۲.
- (۱۲۴) التاريخ، طبری، ج ۳، ص ۵۷.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن

خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

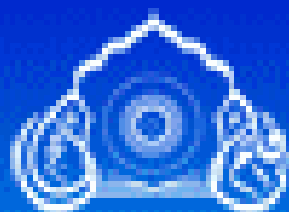
[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

# گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

